



هفته نامه فرهنگی، خبری
مدرسه دانتجوی قرآن و عترت
دانشگاه تهران

دوشنبه
۱۲ مهر ۱۳۹۵
۱ محرم الحرام ۱۴۳۸
شماره ۱۷۷

www.ekashef.ir | info@ekashef.ir
www.QuranEtratSchool.ir

سال ششم



حرم حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام)

به نام سلاله

مبلغ دین، پدر و مادر جامعه است و زحمت واسطه‌گری هدایت افراد، بر گردن اوست

بیانات آقای اخوت درباره موضوع تبلیغ و مبلغ شدن، پنجشنبه ۲۵ شهریورماه، ۱ و ۸ مهرماه (قسمت اول)

کوشش مهدیان و فرانک فلاحی

ده نکته مقدماتی درباره اهمیت و ضرورت تبلیغ دین: موضوع تبلیغ یکی از مهمترین مسائلی است که ما در جامعه کنونی با آن مواجه هستیم و ضرورت بحث در این باره بسیار زیاد است. درباره اهمیت و ضرورت تبلیغ ده نکته مقدماتی را می‌توان ذکر کرد:

نکته اول: اساسا وقتی اسم تبلیغ می‌آید، این اصطلاح برای فردی طرح می‌شود که قصدش گسترش دین باشد. یعنی قلمروی بحث خیلی محدود بوده و عام نیست. وقتی می‌گوییم تبلیغ، یعنی از دینداران افرادی هستند که اعتقاد به گسترش دین داشته و تمایل دارند خودشان در این کار دخالت داشته باشند.

نکته دوم: قصد مبلغین فعال کردن دیگران در حوزه دینداری است. مبلغ دلش نمی‌خواهد به دیگران دیکته و امر ونهی کند و دیگران فقط بشنوند بلکه دوست دارد کاری کند که دیگران در دینداری به‌طور خودجوش فعال شوند.

نکته سوم: مبلغ اعتقاد دارد همه انسانها باید دیندار شوند و فردی وجود نداشته نباشد که دیندار نباشد.

نکته چهارم: حتما هر تبلیغی متکی بر جهان‌بینی و نوعی ایدئولوژی است. یعنی کسی که وارد این مقوله می‌شود حتما یک ایدئولوژی دارد که آن، او را به این عرصه کشانده است. جهان‌بینی امام خمینی (ره) این بود که پرچم اسلام همه قله‌های جهان را باید فتح کند. جهان‌بینی تبلیغ اینگونه است که نگاه شما به دین، منفعلانه نیست بلکه دین در همه ابعاد زندگی نقش دارد و اگر کسی بر اساس فطرتش مردم را به دین فراخواند، مردم حتما او را دوست خواهند داشت.

نکته پنجم: یکی از تمرین‌ها برای ابرار شدن، ایجاد تفکر اجتماعی یا تفکر ابرار در افراد، تبلیغ است. یعنی فرد چون می‌خواهد ابرار شود، مبلغ می‌شود و به واسطه تبلیغ، تفکر ابرار یا تفکر اجتماعی در او فعال می‌شود.

نکته ششم: تبلیغ باعث وسعت بخشی و توسعه خود انسان و دیگران می‌شود. یعنی تبلیغ یکی از راه‌های

وسعت و شرح صدر یافتن است. چون مبلغ می‌خواهد دیگران را وسعت دهد، خودش هم وسعت پیدا می‌کند. نکته هفتم: تبلیغ، متکی بر ارتباط موثر با دیگران و گسترش روابط است، لذا توان استعدادشناسی دیگران خیلی اهمیت دارد. در این مسیر، استعدادشناسی مبلغ نسبت به خود و دیگران شکوفا می‌شود.

نکته هشتم: اهتمام به تبلیغ، بیان‌کننده عمق ارتباط انسان با خداست و مبلغ دوست دارد این مهربانی و رزق‌رسانی خدا را به همه بچشاند. اگر با یک مبلغ روبرو شوید، می‌بینید که در حرکات و چشمانش حس دارد. انگار او چیز خوشمزه‌ای را چشیده است که دوست دارد دیگران هم بچشند.

نکته نهم: مجموعه از علوم در ارتباط با مبلغ فعال می‌شود. مثلا شخص برای تبلیغ لازم است قرآن، تفسیر، احکام فقهی و حتی شیمی، فیزیک، داستانها و توان تمثیل، جوک گفتن... بلد باشد. متأسفانه به خاطر بلد نبودن شیوه‌های تبلیغ، تصور می‌کنیم مردم بد هستند! نباید درباره مردم اینطور فکر کرد بلکه مسئله از کمبودهای خودمان است.

نکته دهم: تبلیغ انسان را از غار و پستوی خود خارج می‌کند در غیر اینصورت صفات فرد به فعلیت نمی‌رسد. نمی‌شود انسان به نسبت علمی که پیدا کرده است، بروز نداشته باشد. با خارج شدن انسان از غار فردیت، انسان می‌تواند عیب‌های خود را نیز بشناسد و تزکیه نفس در این مسیر ممکن و عملی می‌شود.

ما در مدرسه قرآن حتما احتیاج به ستاد تبلیغ داریم. مدرسه تبلیغ قرآن و عترت (علیه السلام) باید ستاد تبلیغ ایجاد کند. وظیفه این ستاد، اعزام افراد به عملیات تبلیغی و بررسی شکست‌ها و موفقیت‌های افراد و آموزش‌های دوباره آنان است. اگر بحث تبلیغ برای ما جا بیفتد و عده‌ای مبلغ پرورش داده شوند، ستاد تبلیغ راه می‌افتد و جریان مدرسه تبلیغ از همین جا شروع می‌شود. وقتی مدرسه تبلیغ فعال شود بالتبع بقیه مدارس هم فعال خواهند شد، چرا که باید

خروجی‌های خود را تحویل این مدرسه دهند. یکی از شعبه‌های امر به معروف و مجاهدت در راه خدا تبلیغ و مهیا کردن شرایط آن در همه جهات است. اینکه ما منتظر باشیم به ما جای خاصی برای تبلیغ دهند و همه چیز حاضر باشد، چنین خبری نیست! باید یک تنه همه جا را آباد کرد. چیزی شبیه به اردوهای جهادی است.

نکته مهم بعدی اینکه در یک جمع لازم نیست همه مبلغ باشند. بلکه هرکه جایگاه خود را دارد و شاید یک عده‌ای بنا به دلایلی صلاح نباشد مبلغ شوند. در حرکت‌های جمعی اصلا لازم نیست همه عین هم عمل کنند. اما مثلا در یک جمع ۲۰۰ نفره استاندارد، ۵۰ نفر مبلغ، ۲۰ نفر پژوهشگر و... نیاز است و هرکه نقش خود را دارد. پژوهشگر نباید بگوید من می‌خواهم مبلغ هم بشوم. شاید بتواند بشود، شاید هم نتواند. در جمع تدبیری حاکم می‌شود که هرکه کار خودش را می‌کند. یعنی علم تبلیغ برای همه است اما اجرایش الزاما برای همه نیست.

معنای اصطلاح تبلیغ و تمثیل آن در هستی:

ریشه کلمه تبلیغ «بَلَّغَ» است. مثال این کلمه مانند هنگامی است که آب، مسیرهای مختلفی را طی می‌کند تا به یک دانه برسد و رطوبت و حیات خود را به آن دانه برساند تا دانه شکوفا شود. یا وقتی طارِق و رونده‌ای به دری می‌رسد و آن در را می‌کوبد به این رسیدن بلغ می‌گویند. در بلوغ حتما طی مسیری است و نمی‌تواند طی مسیر وجود نداشته باشد، پس هر چیزی را تبلیغ نمی‌گویند. رساندن حقیقت به جان افراد برای اینکه آن‌ها به حیات برسند معنای تبلیغ است. البته ممکن است آن‌ها به حیات نرسند. تبلیغ خیلی به رزق‌رسانی شبیه است. یعنی کسی که چیزی را تبلیغ می‌کند در واقع رازق است. رازق رزقی معنوی است که سبب حیات و بقای خودش و افراد می‌شود. بنابراین مبلغ، واسطه رزق و رحمت الهی است. در همین راستا می‌توان مبلغ را به حالتی تمثیل کرد:

تمثیل اول: می‌توان مَثَل مبلغ را مثل ابر دانست. ابری که

بارور می‌شود و به دلیل بارور شدنش، باران را از آسمان نازل می‌کند. خودش از آب و رطوبت اشباع می‌شود و به خاطر اشباع شدن از رطوبت، تبدیل به باران می‌شود. در این تشبیه، مبلّغ باید خودش در آن حقیقتی که می‌خواهد از آن حرف بزند غوطه‌ور شده باشد تا آن حقیقت در وجودش سرریز شود و دومین خصوصیت اینکه حتما در موقعیتی قرار گیرد که انزال به موقع و پیوسته‌ای مثل انزال باران داشته باشد.

در تبلیغ حتما باید حالت تدریج، عجل‌نبودن و طمأنینه داشتن وجود داشته باشد. به همین خاطر انسان وقتی مبلّغی را می‌بیند، باید یکپارچه وقار و حیا ببیند و احساس کند که از آن مطلبی که تبلیغ می‌کند خیلی بیشتر می‌داند و در حال حاضر فقط بخشی از آن را بازگو می‌کند.

مثیل دوم: مثلاً بعدی برای مبلّغ مثل آینه است؛ یعنی انتقال‌دهنده اثر. در واقع فرد اثری که در خودش مشاهده کرده را به دیگران منتقل می‌کند. او کاری می‌کند که آن حقیقت از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر نازل شود. یعنی به خاطر عنایت خدا حقیقتی را می‌بیند و واسطه می‌شود که این حقیقت در دیگران انعکاس پیدا کند. بنابراین کار تبلیغ، قرار گرفتن در مسیر و انتقال حقایق و رساندن آن به دیگران است. دقیقاً شبیه تفکر عمل می‌کند. مبلّغ خودش نماد فکر می‌شود، یعنی از حقیقتی خبر پیدا می‌کند و آن را برای دیگران منعکس می‌کند. قرار گرفتن در یک مسیر و انتقال حقایق و رساندن آن به دیگران از رسالت‌های مبلّغ است. در آیات قرآن هر کدام از این مفاهیم با کلماتی آمده است. قرار گرفتن در جهت مسیر حقیقت، صراط نام دارد و خود مسیر، سبیل می‌شود. مبلّغ باید در صراط مستقیم و سبیل خدا قرار داشته باشد و مطالب را انزال کند و انذار بدهد. این موضوع در سوره مبارکه یس با مفاهیم صراط، سبیل، تنزیل و انذار اشاره شده است. در این سوره هدف تبلیغ به غایت رسیدن انزال و تحقق رسالت است. در این مثل، تبلیغ بنا به رسالت و مأموریت انجام می‌شود یعنی فرد مکلف می‌شود به اینکه یک مطلبی را منتقل کند.

مثیل سوم: مبلّغ مثل جریان یک رود یا چشمه یا برکه است که با وجودش یک مسجد، یک محله یا مدرسه‌ای سبز و خرم می‌شود و جریان حیات در آن جاری می‌شود. وقتی در جایی آب هست، در پناه آن رویش گیاهان فراوانی ممکن می‌شود. پس یکی از ویژگیهای مبلّغ، برکت‌بخشی است.

ویژگیهای مبلّغ با توجه به صفات حضرت رسول ﷺ:

امام زین‌العابدین (علیه السلام) در دعای دوم صحیفه سجادیه «دعای صلوات بر رسول الله ﷺ» را ذکر نموده‌اند که می‌توان از آن، تعریف تبلیغ و ویژگیهای مبلّغ را فهمید. در فراز اول دعا می‌فرمایند اینکه ما پیامبری داریم که بقیه نداشته‌اند خودش نعمت است و باعث شده ما فضیلتی بر همه عالم پیدا کنیم و بعد بیان ویژگیهای پیامبر ﷺ که در واقع ویژگیهای مبلّغ است را ذکر می‌نمایند. امین بر وحی بودن پیامبر ﷺ از ویژگیهایی است که در دعا به

آن اشاره شده است. بنابراین مبلّغ باید امین بر حق باشد یعنی مطالب را اشتباه تحویل دیگران ندهد. در ادامه در وصف نحوه تبلیغ حضرت رسول ﷺ می‌فرمایند: «نفسش به سختی افتاد و بدنش آسیبهای جدی دید و دعا کردن خیلی برای او اهمیت داشت و در راه رضا و خشنودی خدا با قبیله‌اش جنگید و آنها با او قطع رحم کردند و خودش را در تبلیغ رسالت خدا خسته کرد و همه قوانین و چارچوبهای زندگی را با رسالت خدا تنظیم کرد و خودش را به پند و نصیحت افراد مشغول ساخت و به دور دست و محل غربت هجرت کرد...» همه این موارد ویژگیهای مبلّغ می‌باشد. در پایان دعا هم اسمائی از خداوند ذکر شده است که فرد در مسیر تبلیغ، به استعانت از آنها احتیاج دارد.

تبلیغ با بستر سازی طینتهای پاک جهت دریافت حق:

روایت مرتبط دیگری از بیان امام صادق (علیه السلام) در کتاب اصول کافی (جلد اول، صفحه ۴۰۲) به این شرح آمده است: «ابی بصیر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: ای ابا محمد به راستی نزد ما به خدا سړی است از خدا و علمی است از علم خدا که به خدا سوگند هیچ فرشته مقرب و پیغمبر مرسل و مؤمنی که خدا دلش را به ایمان آزموده متحمل آن نتواند شد، به خدا موظف نکرده است بدان خداوند احدی را جز ما و به بندگی خود نگرفته است بدان احدی را جز ما و نزد ما بعضی اسرار و بعضی از علم خدا است که به ما دستور داده آن را به دیگران تبلیغ کنیم از طرف خدا و ما آن را از طرف خدا عز و جل تبلیغ می‌کنیم و برای آن محلی و اهلی و حاملی دریافت نمی‌کنیم که آن را تحمل کنند و بفهمند تا خدا برای آن مردمانی را بیافریند از همان گلی که محمد و خاندان و ذریّه او را آفریده و آنها را از فضل و رحمت خود چنان بسازد که محمد ﷺ و ذریّه او را ساخته و ما به آنها آنچه را دستور داشتیم تبلیغ کردیم و آن را پذیرفتند و تحمل کردند و فهمیدند و آن اسرار علم الهی از ما بدانها رسید و پذیرفتند و فهمیدند و نام ما را شنیدند و دل به معرفت و حدیث ما دادند و گر نه نبود که از آن آفریده شده بودند مسلماً چنان نبودند، نه به خدا آن را تحمل نمی‌کردند و نمی‌فهمیدند. سپس فرمود: به راستی خدا مردمانی را برای دوزخ آفریده و برای آتش و ما دستور داشتیم به آنها تبلیغ کنیم و تبلیغ کردیم به آنها و به دل آنها نچسبید و دلشان از آن نفرت کرد و آن را به ما برگردانیدند و متحمل آن نشدند و آن را دروغ شمردند و گفتند جادوگر و دروغگو، و خدا مهر بر دل آنها نهاد و آن را از یادشان برد. و سپس زبانشان را به بعضی از ندارند تا بدین وسیله از اولیای خدا و اهل طاعتش دفاع شود و اگر چنین نبود خدا در زمین خود پرستش می‌شد و ما دستور یافتیم که از آنها نهان داریم و کتمان کنیم، شما هم نهان کنید از آنها که خدا دستور داده به صرف نظر از آن و پنهان کنید از آنها که خدا دستور داده به ستر و کتمان از او.

گوید: سپس دست برداشت و گریست و فرمود: بار خدایا

اینان جمعی اندکند آنها را در زندگی و مرگ ما شریک گردان و دشمن خود را بر آنها مسلط مکن تا ما را به مرگ آنان داغدار کنی زیرا اگر داغ آنها را به دل ما گذاری تو هرگز در زمین خود پرستیده نشوی و رحمت و درود فراوان بر محمد و آلش.»

از این روایت شریف برداشت می‌شود که حرف خوب، جنس خوب می‌خواهد البته از طرف دیگر اثبات می‌شود که اگر کسی به حرف خوب، واکنش خوبی نشان نداد، طینتش خوب نیست. از آن طرف هم اگر شما مردم را در معرض حرف خوب قرار بدهید آنها را متقاضی‌اند، می‌آیند و افراد را هم نمی‌توان از ظاهرشان تشخیص داد. همچنین، باید روی اصل موضوع حق متمرکز شد که قرآن و عترت است. نه این که فرد یا مجموعه‌ای را تبلیغ کنیم. این باعث می‌شود زوائد کم شده و واکنش افراد حقیقی شود.

یکی از نکات مهمی که در حوزه تبلیغ برداشت می‌شود اینکه برای هر حقیقتی جنس و طینتی وجود دارد. حتی طینت شیعیان هم، با یکدیگر متفاوت است. باید جریان‌ی ایجاد کرد که حرف حق در طینتهای پاک قرار گیرند. مثل این است که در تبلیغ دو عرصه داشته باشیم: یک عرصه بیانی و یک عرصه بستر سازی. از قبل از تولد فرد باید اقداماتی کرد که طینتها برای دریافت حق (آیات و روایات) آماده شوند. احیای روایت شیعه یعنی بتوانیم طینت انسانی که آن را می‌فهمد، را ایجاد کنیم. لذا اگر بخواهیم کار مبنایی و درست انجام دهیم، باید از بستر و طینت انسانها شروع کرد که این جزء طرح پرورش نسل توحیدی است. اکثر اوقات بستر سازی طینتها از بلاهای کوچکتر رخ می‌دهد چرا که در شهرهای بزرگتر عوامل دخالت‌دهنده بیشتر می‌شوند. به همین خاطر یکی از مواردی که بایستی در ذهنمان باشد اینکه مدل سازی ایجاد بستر طینت پاک، در بلاهای کوچکتر رخ دهد.

خصوصیت تبلیغ یک تهوری دارد که مبلّغ سبک و سنگین نمی‌کند که ممکن است آبرویش برود! حتی اگر بین یک جمعیت، تنها یک نفر پیدا شود که هدایت را بخواهد. فضای تبلیغ اینگونه است که خود را در روستایی فرض کنید که حتی مردم سواد خواندن و نوشتن ندارند و هرچه می‌گویید متوجه نمی‌شوند و حتی تهمت هم به شما زده می‌شود اما شما کنار نمی‌کشید و ادامه می‌دهید. اینکه در ذهنمان باشد که در تبلیغ، جامعه باید ما را پذیرفته و تحویل بگیرد و عزت و احترام هم بگذارد یک حالت است اما اینکه فکر کنیم خدای دایم و آن خدا چقدر می‌ارزد، یک حالت دیگر است. خدا برای ما چقدر می‌ارزد؟ آیا به اندازه فدای یک چشم، یک دست، یک شهر، یک خانواده یا یک عمر می‌ارزد؟ خدا خیلی می‌ارزد چون در کربلا همه نیروی ساخته شده به دست امیرالمومنین (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) در مدت پنجاه سال، شهید می‌شوند. پنجاه سال طول کشیده بود که این افراد با این فرهیختگی و پختگی به دنیا آمده و به ثمر برسند. اما نه تنها خداوند به اندازه فدای یک عمر و یک خانواده می‌ارزد بلکه به اندازه

تولید شوند. بخش عمده تولیدات برای فعال شدن نماز در مدارس آموزش و پرورش در نظر گرفته شود که یک بخش پژوهشی می‌طلبد. آثاری هم که برای پیاده‌روی اربعین تولید می‌شود، بهتر است در قالب صوتی باشند، چرا که همه در حال حرکتند. تولید اذانه‌ای زیبا برای مدارس، صوت تعقیبات و دعا‌های قبل و بعد نماز و همه مواردی که می‌توان در بسته نماز گنجانده، از جمله ایده‌هاست. تعدادی از افراد به سمت موضوع اربعین بروند و تعدادی دیگر هم تولیدات صوتی و تصویری برای نماز را انجام دهند.

بخشی از کار ما تولید محتواست. بخش دیگر نوشتن طرح است و طرح‌ها باید قابلیت اجرا و ثبت داشته باشد. در واقع این کار وسعت خیلی بیشتری نسبت به کارهای غدیر دارد. و هر کس که می‌خواهد شروع کند باید زودتر اقدام نماید. خروجی‌ها باید آنقدر متقن باشد که بعد از ده سال نگوییم کاش این را می‌ساختیم! یعنی نباید منجر به حسرت شوند که این به یک علم متقن نیاز دارد. کتابی که الان می‌نویسیم، باید تا ده سال دیگر هم قابل استفاده باشد و بعدها هم بتوان دلایل کافی برای هر بخش آن آورد. یعنی کار باید تا این حد قوی باشد و جزء از طریق افزایش علم محقق نمی‌شود. اگر خود را دائما به قرآن متصل کنیم می‌توانیم به طور مداوم تولید اثر کنیم، نه اینکه دو تا کار تحویل دهیم و دیگر تمام شویم، اینگونه نمی‌توان با دشمن مبارزه کرد.

برای یک عده بسیار عجیب است که در زمان بسیار کوتاه بتوان خروجی‌های زیادی داد. این را باید تبدیل به یک مدل کرد. نقطه ضعف فعلی مجموعه‌مان این است که برای یک کار می‌تواند تا یک حدی خروجی دهد اما برای کار دوم نفشس بند می‌آید. برای اربعین نیز بیشتر از اینکه بخواهیم چند اثر تحویل دهیم، بیشتر قصد داریم مدلی طراحی کنیم که قابل توصیه و توسعه در اقصی نقاط کشور و دنیا باشد تا همه با این مدل آشنا شوند. تصور کنید همه مساجد کشور دارای یک سیستم فکری شوند که فرد طی سه تا چهار سال تسلطی به قرآن پیدا کند که تولیداتی مثل غدیر داشته باشد. این خیلی مهم است، وگرنه اینکه مدرسه قرآن یا افراد مشهور شوند، هیچ کدام اهمیت ندارند.

اگر کسی برای غدیر کاری کرده است اما ارائه نداده، حتما نشان دهد. بنده خود در جریان کارهای غدیر نبودم و این نشان داد که می‌توان به این جمع وصیت کرد و آنها نیز کار را جلو ببرند. پس وصیت در این جمع جاری است. برای خودمان و همه شیعیان و برای اینکه محرم باشکوهی داشته باشیم و خصوصیت این محرم برایمان این باشد که فردی قرآنی-انقلابی شویم و ان شاء الله حیات و مآلتمان منطبق بر حیات و ممات حضرت رسول ﷺ و آتش قرار بگیرد، دعا می‌کنیم به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.

ارتقاء یابد، بروزات آن ده برابر بیشتر از خود تحول است: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا﴾ (سوره انعام، آیه ۱۰۸). پس تحولات خود را بالا ببریم تا به شدت بروزات بیشتر شوند و ملائکه نیز به یاری می‌آیند: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدَفِينَ﴾ (سوره انفال، آیه ۹) هر فرد ایرادات خود را برطرف کرده و سعی علمی خود را زیاد کند.

انسان در یک همزیستی معناداری با ملائکه زندگی می‌کند و اگر افراد بر تحولاتشان اهتمام داشته باشند، تحول صورت گرفته و حتما معجزه رخ می‌دهد. هرکاری که می‌توانیم انجام دهیم و اگر چیزی هم مانع شد، ناراحت نشویم. زیرا همانطور که ملائکه به صف درآوردند حضور دارند، ملائک زاجرات نیز وجود دارند که مانع می‌شوند بعضی کارها انجام شوند و اینگونه به انسان مدد می‌رسانند: ﴿وَالصَّافَاتِ صَفًّا قَالُوا أَجْرَاتٍ زَجْرًا﴾ (سوره صافات، آیه ۲۰۱). بنابراین در جمع گروه‌های باید تعبیه شوند که افراد با دست باز خلایق خود را بروز دهند اما در صورت اشتباه، این گروه‌ها مانع از بروز کارها شوند. بنابراین باید ساختاری براساس ساختار روایی و قرآنی طراحی شود تا بتوان انجام دادن یا ندادن کارها را از هم تمیز داد. در نظام ولایی، از یک طرف حتما باید فشار و نظارت مستقیم و از طرف دیگر هم کار جمعی وجود داشته باشد. این دو کنار هم منجر به تولید می‌شوند. نظام ولایی این طور است که باید و نباید‌های قطعی را می‌دهد و از طرف دیگر مشارکت هم مطرح می‌شود. در نظام ولایی همه جا دارند و هر کس سرجای خود قرار می‌گیرد. کارهای اجتماعی در حوزه ولایت مانند نماز جماعت است. همه باید تا حدی تبعیت داشته باشند و طبق نظامی حرکت کنند و در صف باشند و این صف نیز بنیان مرصوسی داشته باشد. هرچه این صف محکمتر شود و حالت ﴿لَمْ يَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ کم شود، قدرت مجاهده نیز بیشتر می‌شود (سوره مبارکه صف)، هرگاه ولایت و مشارکت قویتر شود، توان جمع بالا رفته و توان هر نفر معادل دو تا سه نفر می‌شود تا جایی که هر نفر می‌تواند معادل ده نفر عمل کند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبْرُوا يُغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (سوره انفال، آیه ۶۵) آنقدر که به قاعده‌های علمی جریان نظام ولایی احتیاج است، به خود کار و تولید نیاز نیست.

خدا را شکر می‌کنیم که انسان‌های توهّم‌زده‌ای نیستیم و برای دوری از توهّم در کارهایمان، گزاره‌های عقلی می‌چینیم و آنها را بر قرآن منطبق می‌کنیم. اگر کسی فکر کند این کار بدون مراجعه به قرآن امکان دارد، سخت در اشتباه است. تنها قرآن است که می‌تواند به انسان چنین عمقی دهد. خدا را شکر سر سفره قرآن نشسته‌ایم و از آن استفاده می‌کنیم.

به شکرانه موانست با قرآن، پیشنهاد می‌شود برای اربعین نیز ستادی تشکیل شود و آثاری با محوریت اقامه نماز

قربانی یک امام با همه کادش می‌ارزد. هر فرد ۲۴ ساعت در روز عمر دارد، و معنا ندارد که ۲۴ ساعت روزانه داشته باشد و آن را صرف تبلیغ نکند. اما ما نوعا گیر زمانی داریم و ساعت‌هایی در عمرمان هست که به تبلیغ می‌گذرد. یعنی بروز نمی‌دهیم که خدا چقدر می‌ارزد؟ تبلیغ یعنی اینکه بگوییم خدا چقدر می‌ارزد؟ ما در عالم باید با همه وجودمان فریاد بزنیم که خدا آنقدر می‌ارزد که به خاطرش به سختی بیفتیم و زندگی خود را فدایش کنیم. خدا همه نعمتها را به انسان داد تا انسان خودش بفهمد که خدا چقدر می‌ارزد. کسی که وارد تبلیغ می‌شود دیگر عمرش، زندگی و فرزندانش برای خودش نیستند. بلکه مامور است که کجا برود و کجا باشد. چون و چرا هم نمی‌کند. مبلغ شدن یعنی گذاشتن پا جای پای رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام او برای فریاد زدن اینکه خدا هست و بر همه چیز قادر و تواناست. اینکه امام خمینی (ره) می‌فرمایند پرچم اسلام باید در همه عالم به اهتزاز درآید، نشان‌دهنده شأن و جایگاه تبلیغ است.

مبلغ پدر و مادر جامعه است و در واقع زحمات یک جامعه به گردن اوست. خداوند همه زحمات واسطه‌گری تبلیغ را گردن پیامبر خود گذاشت. پیامبر ﷺ به اندازه و برای همه‌مان زجر کشید. پدر و مادر شدن یعنی اینکه بخواهم جور بقیه را هم بکشم. الان مهمترین مشکل جامعه، بی پدر و مادر بودن است. یعنی اگر برای فردی مشکلی ایجاد شود، نمی‌داند پیش چه کسی برود. عموما می‌گویند پیش مشاور برو. مشاور خیلی خوب است به این شرط که پدر و مادر باشد. اما دانشگاه که مشاورهای خود را پدر و مادر تربیت نکرده است! بلکه کاسب تربیت کرده است. اگر جامعه می‌خواهد از فلاکت نجات پیدا کند باید پدر و مادر سازی کند و این خود قواعد جالبی دارد که در کتاب بلوغ لیبی و بلوغ عبودیتی گفته شده است که ان شاء الله بتوانیم محققش کنیم و نیاز به تدبیر، طرح درس و آموزش دارد. هر موقع به فردی گفته شود برو فلانجا و پدری و مادری کن و او هم خودش بفهمد چه کند یعنی به این جایگاه رسیده است. اما اگر بپرسد باید چه کنم؟ یعنی هنوز نرسیده است. این نکات بدین جهت گفته شد تا ایده را در ذهن شما پروراند که هر کدامتان بایستی یک پاتوق و جمع داشته باشید. پدر و مادری بدون جمع‌سازی نمی‌شود.

در همین راستا، قرائت سور مبارکه ضحی و انشراح قبل از خواب توصیه می‌شود تا مفاهیم آن شعار مبلغین شده، نقش پدری و مادری در جامعه را یافته و وسع وجودیمان را توسعه دهیم تا براساس نقشه این سوره بتوانیم مبلغ شویم، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

پیشنهاد تشکیل ستاد اربعین با محوریت تبلیغ اقامه نماز در جامعه:

مبدا همه تحولات اجتماعی، تحولات درونی است که با قرار گرفتن در نظام ولایت در انسان‌ها ایجاد می‌شود. همیشه بروزات تحولات بیشتر از خود تحول است. یعنی اگر تحولات تک تک‌مان نسبت به رفتارها و تقیداتمان

فراخوان ستاد اربعین جهت تولید آثار حول موضوع اقامه نماز در جامعه

ویرایش صوت و...

﴿إِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ* وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَب﴾ (سوره انشراح، آیه ۷ و ۸)

- فاز چهارم: تولید (امور چاپ و تکثیر)
- فاز پنجم: توزیع (رساندن تولیدات به مخاطب داخل و خارج از کشور، مساجد، سازمانهای مردم‌نهاد، گروههای پیاده‌روی اربعین و...)
- عرصه‌های مختلف فعالیت ستاد اربعین و نماز در بخشهای متنوع اعم از نماز و راهپیمایی اربعین، نماز و مدارس و ... بعد از بررسی کارهای انجام شده و پردازش ایده‌ها مشخص خواهد شد.
- از آنجا که تا زمان نهایی فعالیت و به ثمر رساندن عملیات، کمتر از ۴۰ روز باقی است، سرعت بالا همراه با دقت محتوایی و هنری لازمه کار است. لذا به هر فاز متناسب با کارها حدود یک هفته تا ۱۰ روز زمان اختصاص داده شده است. در حال حاضر، ستاد وارد فاز دوم شده است. لذا از کلیه علاقه‌مندان به مشارکت در هر کدام از مراحل کار استدعا میشود، نام خود و فاز عمل مشارکتی‌شان را با عنوان «ستاد اربعین و نماز» به سامانه پیامکی مدرسه قرآن (۵۰۰۲۴۲۰۷) یا پست الکترونیکی ستاد (setad.quran.revayat@gmail.com) ارسال نمایند. نیز، با دعاهای عملی، قلبی و زبانی خود می‌توانید ستاد اربعین را یاری نمائید.

- کارهای خیر جمعی در هر مجموعه موتور حرکت آن به حساب می‌آید که توجه به آن، مانع از در خود فرو رفتگی، فردگرایی، ایجاد فاصله با مشکلات جامعه و ذائقه مخاطب و دوری علم از عمل اثرگذار در جمع خواهد شد. علاوه بر آن لازمه شناسایی روح جمعی و مشارکت عمومی در افراد و نیز سنجش میزان کارآمدی و اثرگذاری آموزشها و پژوهشهای صورت گرفته برای ارتقاء فرهنگ عمومی جامعه با فراهم شدن عرصه «فعالیت خروجی محور» برای فعالین هر جمع محسوب میشود.
- تشکیل ستاد اربعین در ادامه عملیات غدیریه برای تحقق این مقاصد صورت گرفته است که از برکات آن تقویت روحیه جهد و تلاش مستمر افراد مجموعه برای جاری کردن خیرات به صورت سازمان یافته و تخصصی در جامعه می‌باشد. آنچه در ستاد اربعین مهم است:
- محور حرکت امام حسین (علیه السلام) در کربلا موضوع اقامه نماز بوده است لذا کلیه فعالیتهای ستاد اربعین حول موضوع «نماز» نظم خواهد گرفت.
- برنامه فرآیندی ستاد اربعین و نماز:
- فاز اول: ایده پردازی (نوع محتوا، شکل تولیدات، مخاطب شناسی، نحوه عرضه، و...)
- فاز دوم: تولید محتوا
- فاز سوم: فرم‌بندی (فرآیند هنری تولیدات اعم از صفحه‌بندی، ویرایش، تصویرگری،

فراخوان ستاد غدیر جهت مشارکت در پروژه‌های نیازمند به تکمیل و پژوهش

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ* وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا* فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾ (سوره مبارکه نصر).

- چنانچه مطلع‌اید ستاد غدیر با مشارکت اعضای مجمع مدارس ده اثر را برای این مناسبت در ماه اخیر تولید و منتشر کرد (ر.ک. ستون پرونده در نشریه شماره پیشین). با این حال تعدادی از آثار به دلیل نیازمندی بر تکمیل و اصلاح، به مرحله تولید نرسیدند. با بررسیهایی که توسط این ستاد بر طرحهای ارسال شده انجام گرفت، تصمیم بر آن شد که آن دسته از ایده‌هایی که میتوانند با اعمال تغییرات یا تکمیل روند تولیدشان به خروجی برسند را اعلام و از علاقه‌مندان به انجام پروژه‌های مشابه و یا همکاری با مسئولین آن برای تکمیل، دعوت به فعالیت شود:
۱. پروژه برنامه‌ریزی (ایده‌ای از اعضای مدرسه زبانهای خارجی): این پروژه شامل ترجمه ۲۰ حدیث با موضوع برنامه‌ریزی به زبان انگلیسی و خلاصه و نکته‌برداری از کتاب «تقدیر و تدبیر» بارویکرد برنامه‌ریزی ولایت‌مدار در زندگی است.
 ۲. پروژه روابط برادری (ایده‌ای از خانم سهی): شامل روایاتی که در کتاب «بلوغ عاطفی» از امیرالمومنین (علیه السلام) نقل شده است.
 ۳. پروژه معیارهای دوست‌یابی برای مخاطب دبیرستان (ایده‌ای از اعضای مدرسه علوم انسانی): گزینش روایاتی پیرامون معیارها و قوانین انتخاب دوست.
 ۴. دو پروژه به موضوع تقویت اراده و راههای موفقیت (ایده‌ای از گروه منظومه رشد): گزینش مجموعه‌ای از روایات امیرالمومنین (علیه السلام) از کتاب مواظط الحکم لیثی برای مخاطب نوجوان.
 ۵. پروژه طراحی و فرم‌بندی نشان کتاب (ایده‌ای از فعالین مجمع مدارس): گزینش روایاتی از امیرالمومنین (علیه السلام) برای سطوح مخاطبان مشخص.
- هر کدام از پروژه‌ها در حد ۲۰ الی ۴۰ درصد از مرحله تولید محتوا را طی کرده‌اند که به صورت تخمینی بین ۴۰ تا ۱۴۰ ساعت برای تکمیل آنها نیاز به پژوهش بیشتر می‌باشد. لذا علاقه‌مندان جهت مشارکت در تکمیل هر کدام از آنها می‌توانند عنوان «ستاد غدیر» نام و نام خانوادگی + شماره پروژه مورد نظر را به سامانه پیامکی مدرسه قرآن (۵۰۰۲۴۲۰۷) ارسال نمایند.

گزارشی از قربانی عید قربان و اطعام غدیریه با مشارکت مالی اعضای مدرسه قرآن

- حمد و سپاس الهی برای اینکه به جمع ربانی‌مان توفیق ابراز بندگی و پیوستن به جریان تعاون بر خیر در قالب سنتهای حسنه قربانی در عید قربان و اطعام در عید غدیر را عنایت فرمود.
- در همین راستا، به اطلاع می‌رساند که با مبلغ کل ۱۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان که حاصل نیت خیرخواهانه و مشارکت بیش از ۱۳۰ نفر از اعضای مدرسه قرآن می‌باشد، مراسم ذبح تعداد ۲۸ رأس گوسفند برای اعیاد قربان و غدیر انجام شد. لازم به ذکر است که برای بهره‌مندی از فضایل هر دو حسنه‌ی انفاق و اطعام، بخشی از این قربانی در قالب اطعام برای اطاری عید غدیر جهت محرومین روستایی طبخ شده و تعدادی هم میان نیازمندان مناطق محروم روستایی توزیع شد. با توجه به عنایت ویژه اعضا در همکاری با این جریان خیر و جمع‌آوری مبلغ قابل‌ملاحظه فوق در بازه زمانی محدود و جهت پرهیز از انواع آفات احتمالی از جمله اسراف و جهت توزیع عادلانه به نیازمندان واقعی، لازم بود در چند منطقه از مناطق محروم کشور پخش گردد، تا به سنت حسنه
۱. در روستای دسته‌چس و اطراف شش رأس: سه رأس میان حدود ۱۲۰ خانوار توزیع و سه رأس برای افطار ۸۰۰ الی ۹۰۰ نفر در عید غدیر طبخ و اطعام شد.
 ۲. در روستاهای درود لرستان، هفت رأس میان حدود ۲۶۰ خانواده توزیع شد.
 ۳. در ماهشهر، پنج رأس توزیع شد.
 ۴. در روستاهای خافت، قالینی و گریزان در جهرم، چهار رأس: سه رأس میان ۱۱۱ خانواده توزیع و یک رأس اطعام غدیریه شد.
 ۵. در قم میان طلاب محروم خارجی، سه رأس توزیع شد.
 ۶. در ورامین، یک رأس توزیع شد.
 ۷. در روستای سعادت‌شهر استان فارس، دو رأس توزیع شد.